

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

112119

۸۷/۱/۱۰۴۷۰۴
۸۷-۱۳-۲۶



اشعار دکتر شفیع کدکنی
در بوته‌ی نقد فرمالیستی

محمد بامدادی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

۱۳۸۷

کتابخانه مرکزی
دانشگاه ارومیه

۱۳۸۷ / ۱۳ / ۲۶

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

استاد راهنما: دکتر فاطمه مدرسی

۱۱۲۱۱۹

بسمه تعالی

پایان نامه آقای «محمد بامدادی» با عنوان «اشعار دکتر شفیعی کدکنی در بوته نقد

فرمالیستی»، به شماره ۱۳۵ - ۲ الف، در تاریخ ۸۷/۱۱/۱۶ با رتبه علمی و نمره بیت (۲۰) مورد پذیرش هیأت محترم داوران قرار گرفت.

۱- استاد راهنما و رئیس هیأت داوران: دکتر فاطمه مدرسی

۲- داور خارجی: دکتر احمد گلی

۳- داور داخلی: دکتر بهمن نزهت

۴- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر مسعود بیات

(حق طبع و نشر محتوای پایان نامه برای دانشگاه ارومیه محفوظ است.)

تقدیم به:

اساتید فرزانه‌ام:

استاد رشید عیوضی

استاد سعید قره بگلو

تقدیر و تشکر

در زندگی هر کسی «دردهایی و رنجهایی است که روح او را می‌خورد و آرام آرام در انزوا قرار می‌دهد...» در چنین دردهایی توکلم به خدا و توسل به حضرت فاطمه‌ی زهرا بود؛ دریغ می‌آید که این پایان نامه، با نام این بانوی کریمه متبرک نگردد...

از محبت‌های بی‌دریغ خانواده‌ام، پدر زحمت کش و مادر مهربانم - دو اقیانوس بی‌کران مهربانی و بزرگواری، که دار و ندارم از محبت‌ها و دعا‌های خیر ایشان است - و برادران و خواهران عزیزم - که حضورشان سبزترین لحظات زندگی‌ام را رقم زده - صمیمانه سپاسگزارم.

بر خود فرض می‌دانم که از زحمات استاد راهنمای بزرگوار این رساله، سرکار خانم دکتر فاطمه مدرسی - که با نکته‌سنجیها و راهنمایی‌های ایشان پایان نامه به سامان رسیده و لطف و بزرگواریشان همیشه شامل حال بنده بوده - و همه عزیزان و بزرگواری که من مدیون محبت‌ها و زحماتشان هستم، تقدیر و تشکر کنم. از معلم اول ابتدایی‌ام آقای علی سیاه چشم، از معلم با احساس ادبیات دوره دبیرستانم آقای مسعود جاوید، از اساتید بزرگوار دوره کارشناسی‌ام - اساتید دانشگاه تربیت معلم آذربایجان - که یاد و نامشان همواره قوت قلبی برایم بوده است، دکتر عیوضی، دکتر قره بگلو، دکتر مشتاق مهر، دکتر گلی، دکتر قلی زاده، دکتر صدقی، دکتر علیزاده، دکتر آتش زای، از اساتید دوره کارشناسی ارشدم، دکتر مظفری، دکتر طلوعی آذر، دکتر طالعی، دکتر عبیدی نیا، دکتر نظریانی، دکتر نزهت، دکتر خان محمدی، دکتر کوشش، دکتر قدمیاری، خانم دکتر واحد دوست، از پسر عموی عزیزم دکتر بهروز بامدادی که گاه و بی‌گاه مزاحمش شده‌ام، از مدیر محترم تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ی ادبیات، دکتر مسعود بیات - که وجودشان غنیمی است برای دانشکده - از دوستان و اساتید بزرگوارم، آقایان: دکتر سجاد آیدینلو - که حضورشان در جلسه باعث افتخار بنده بوده - دانشجویان دکترای دانشگاه ارومیه - دکتر برات محمدی، دکتر غلامحسین احمدوند، دکتر طاهر لاوژه - ویراستار این پایان نامه - آقای حسن فایده - همکلاسی‌های بزرگوارم، آقایان: ابراهیم اندر خورد، علی شام روشن، صابر معصومی، محمد عابدینی، علی دلائلی میلان، جواد ویسی ممقانی، حامد نو بخت، موسی هوشیار، خانم‌ها عبودی، اسدی، پیر خضری، امینی، محمدیان، منفردان و یگانه، از مسئولان محترم کتابخانه دانشکده ادبیات، آقای شیرزاد، و خانم حسن زاده، از مسئول محترم آموزش تحصیلات تکمیلی دانشکده - آقای صابر رزاقی - به خاطر همکاری صمیمانه شان و سایر بزرگواران و دوستانی که نامشان قرین قلبم هست اما از قلم افتاده‌اند، تشکر و قدرانی نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه
۲	تعریف مسأله:
۳	روش تحقیق:
۳	پیشینه‌ی تحقیق:
۴	پیشنهاد برای تحقیقات آتی:
۴	چشم‌اندازی بر زندگی م. سرشک:
۵	سالنامه‌ی دکتر شفیعی کدکنی (م. سرشک):
۸	فصل دوم: نظریه‌ی ادبی و جایگاه فرمالیسم روسی
۱۰	فرمالیسم روسی (صورت‌گرایی):
۱۰	درون‌مایه‌ی تاریخی:
۱۱	فرم و محتوا:
۱۷	استقلال اثر ادبی:
۱۸	ادبیت:
۲۰	زبان شعری:
۲۵	آشنایی‌زدایی و نقش صناعات در آفرینش آن:
۳۱	هنجارگرایی:
۳۲	قاعده‌افزایی:

۳۴	عنصر غالب (امر شعری):
۳۶	مخالفان فرمالیسم چه می‌گویند:
۴۰	فصل سوم: فراهنجاری (هنجارگریزی):
۴۰	مقدمه:
۴۱	۱- فراهنجاری واژگانی (Lexical deviation)
۴۳	واژگان مشتق:
۴۴	اسم و پسوند:
۴۵	تکواژ و اسم:
۴۶	صفت و تکواژ:
۴۷	قید + پسوند:
۴۸	واژگان مرکب:
۴۹	ترکیب دو اسم:
۵۰	ترکیب صفت + اسم:
۵۱	ترکیب اسم + بن فعل:
۵۱	ترکیب صفت + بن فعل:
۵۲	صفت + میانوند + تکرار همان صفت:
۵۲	اسم صوت:
۵۵	۲- فراهنجاری دستوری: (Grammatical deviation)
۵۸	استفاده از صفت به جای اسم:
۶۰	فاصله‌انداختن میان صفت و موصوف:

- ۶۰ اسناد صفت مضاف به مضاف‌الیه:
- ۶۱ حذف صفت اشاره آن در ساختمان حرف ربط مرکب:
- ۶۲ کاربرد صفت به اشکال گوناگون
- ۶۳ فاصله بین اجزای فعل مرکب:
- ۶۴ رقص ضمیر:
- ۶۵ جمع بستن‌های غیر متعارف:
- ۶۶ حذف:
- ۶۹ تغییر نقش کلمه به توجه به زیر ساخت و روساخت:
- ۷۱ ۳- فراهنجاری آوایی: (Phonological deviation):
- ۷۵ ۴- فراهنجاری خطی: (Graphological deviation):
- ۷۸ نقش شیوهی نوشتار در درست خواندن شعر
- ۸۰ نقش شیوهی نوشتار در انتقال احساس و اندیشه
- ۸۱ نقش شیوهی نوشتار در دیداری کردن شعر
- ۸۳ نقش شیوهی نوشتار در نشان دادن فاصله‌های زمانی و مکانی
- ۸۴ نقش شیوهی نوشتار در تأکید بر تصاویر
- ۸۵ نقش شیوهی نوشتار در برجسته‌سازی تصاویر
- ۸۶ ۵- فراهنجاری معنایی (Semantic deviation):
- ۸۹ تشبیه (simile):
- ۹۰ تشبیه با اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین آن
- ۹۳ تشبیه به اعتبار موضوع طرفین آن

۹۵	تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن
۹۷	انواع تشبیه از لحاظ ذکر یا حذف ادات تشبیه
۱۰۲	استعاره (metaphor)
۱۱۰	استعاره مکنیه:
۱۱۷	استعاره تبعیه:
۱۱۸	متناقض نمایی (Paradox):
۱۲۳	حس آمیزی (Synaesthesia):
۱۲۶	کنایه (Allusion):
۱۳۳	تلمیح:
۱۴۵	نمثیل (Allegory)
۱۵۰	۶- فراهنجاری گویشی (لهجه‌ای) (Dialectal deviation):
۱۵۷	۷- فراهنجاری سبکی (انحراف از دوره گونه کاربردی زبان) (Deviation of Register)
۱۶۱	۸- فراهنجاری در زمانی (انحراف از دوره تاریخی خاص، کهن گرایی)
۱۶۴	باستانگرایی واژگانی:
۱۶۵	۱- باستانگرایی در فعل:
۱۶۶	افعال دعایی
۱۶۶	افعال ساده‌ی قدیمی
۱۶۸	افعال مرکب
۱۶۹	افعال گروهی
۱۷۰	افعال پیشوندی

۱۷۲	۲- باستان‌گرایی در اسم:
۱۷۲	الف: اسمهای و تلفظ قدیمی اسمها:
۱۷۶	ب: احیای واژه‌ها و ترکیبهای غیر مستعمل:
۱۷۷	۳- باستان‌گرایی در صفت:
۱۸۰	۴- باستان‌گرایی در قید:
۱۸۱	۵- باستان‌گرایی در حرف:
۱۸۴	باستان‌گرایی نحوی یا ساخت نحوی کهن:
۱۸۵	کاربرد «ی» اشباع شده‌ی ساکن به جای کسره‌ی اضافه
۱۸۶	ساکن کردن حرف متحرک
۱۸۷	آوردن حرف ربط «و» در آغاز بیت‌ها یا مصراع‌ها
۱۸۸	تکرار جمله‌ها و کلمات
۱۸۹	کاربرد حرف نشانه‌ی «ا» در آخر برخی کلمات
۱۹۰	تابع‌اضافات:
۱۹۱	نتیجه:
۱۹۳	فصل چهارم: قاعده‌افزایی
۱۹۳	قاعده‌افزایی
۱۹۶	توازن (Parallelism)
۱۹۸	موسیقی بیرونی (عروض)
۲۰۴	موسیقی درونی (بدیع لفظی)
۲۰۵	تکرار واج یا آرایش واجها

۲۰۷	تکرار یک مصرع
۲۰۹	تکرار یک بند
۲۱۰	تکرار بیش از یک کلمه و تکرار جمله
۲۱۲	جناس تام
۲۱۳	جناس ناقص
۲۱۳	جناس زاید
۲۱۳	مختلف الاول
۲۱۴	مختلف الوسط
۲۱۵	مختلف الآخر
۲۱۶	جناس مضارع و لاحق
۲۱۷	جناس اشتقاق (جناس اختلاف مصوت بلند)
۲۱۹	موسیقی کناری (ردیف و قافیه) ک
۲۱۹	قافیه (rhyme)
۲۲۸	ردیف
۲۳۱	نتیجه:
۲۳۲	نتیجه گیری کلی:
۲۳۵	منابع و مآخذ:

چکیده پایان نامه:

این پایان نامه، پژوهشی است که به نقد فرمالیستی اشعار دکتر شفیعی کدکنی (م. سرشک) می پردازد. فرمالیست‌ها با پیدایش خود در آغاز قرن بیستم، منشأ تحولات بزرگی در ساحت ادبیات و نقد ادبی شدند. آنها سعی می کردند ادبیات را به شیوه‌ای علمی و به دور از هرگونه ذوق و احساسات مورد بررسی قرار دهند. م. سرشک از زمره‌ی شاعران نیمایی است که شیفته‌ی آرای فرمالیست‌هاست و بررسی اشعار او از دید فرمالیستی می تواند ناگفته‌های زیادی را در مورد زبان شعری‌اش بیان کند. در این پژوهش، نخست در باب فرمالیسم، درون‌مایه‌ی تاریخی، آرا و عقاید آنها بحث شده است. سپس، انواع فراهنجاری‌ها (واژگانی، دستوری، آوایی، خطی، معنایی، گویشی، سبکی، در زمانی)، در اشعار م. سرشک مورد بررسی قرار گرفته است. از میان این فراهنجاری‌ها، فراهنجاری‌های معنایی، دستوری و در زمانی، در اشعار م. سرشک حضور پررنگ‌تری دارند که ما در این مورد به تفصیل سخن رانده‌ایم. در این پژوهش، همچنین قاعده‌افزایی - دومین مقوله‌ی مهم در آفرینش شعر به اعتقاد لیچ - در اشعار م. سرشک مورد بررسی قرار گرفته است. در این مبحث، در مورد موسیقی بیرونی - عروض -، موسیقی درونی - بدیع لفظی - و موسیقی کناری - قافیه و ردیف - اشعار م. سرشک بحث کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که قاعده‌افزایی در کنار انواع فراهنجاری‌ها در آفرینش اشعار م. سرشک نقش بسزایی را ایفا کرده است.

کلید واژه: فرمالیسم روسی - برجسته‌سازی - قاعده‌افزایی - فراهنجاری - اشعار م. سرشک

فصل اول

مقدمه:

در اوایل سده بیستم در روسیه مکتبی به وجود آمد که باعث تحولات شگفت‌آوری در حوزه ادبیات و نقد ادبی شد. دهه ۱۹۲۰ اوج شکوفایی این مکتب بود. از آنجایی که این مکتب با مکتب نقدگرایی مارکسیستی روسیه در تضاد بود، به زودی، شیرازه‌اش از هم پاشید. به اعتقاد صاحبان این مکتب، در بررسی اثر ادبی باید دیدگاه‌های اجتماعی، تاریخی، روانشناسی و ... را کنار گذاشت. آنها معتقد بودند که آفرینش هر اثر ادبی، در گرو برخی تکنیک‌ها و شگردهایی است که باعث نوعی برجسته‌سازی می‌شوند. آنها این تکنیک‌ها و شگردها را تحت عنوان ادبیت، مطرح می‌کردند. یکی از بزرگ‌ترین نظریه پردازان این مکتب، ویکتور شکلوفسکی است که با مطرح کردن آشنایی‌زدایی یکی از ارزنده‌ترین مفاهیم فرمالیست‌ها را بیان کرد. به اعتقاد او کاربرد انواع شگردها و صنعت‌های ادبی، باعث ایجاد انواع فراهنجاری‌ها می‌شوند و همین فراهنجاری‌ها هستند که وجه تمایز زبان ادبی و غیرادبی را تشکیل می‌دهند. از آنجایی که فرمالیست‌ها اثر ادبی را با دیدگاه‌های زبان‌شناسانه بررسی می‌کردند، به شدت تحت تأثیر آرای زبان‌شناسان به خصوص فردینان دوسوسور - زبان‌شناس فرانسوی - بودند. یکی از این زبان‌شناسان جفری لیچ انگلیسی است که معتقد بود آفرینش اثر ادبی منوط به توازن و فراهنجاری است. او فراهنجاری را به هشت قسمت آوایی، واژگانی، دستوری، خطی، معنایی، گویشی، سبکی و در زمانی تقسیم کرد و معتقد بود که این فراهنجاری‌ها در کنار توازن، نقش بسزایی در آفرینش هر اثر ادبی دارند. م. سرشک از زمره‌ی شاعران برجسته‌ی معاصر است که تحت تأثیر آرای فرمالیست‌ها بوده و در کتاب موسیقی شعر خود، آرای آنها را ستوده است. ما این رساله را به چهار فصل مجزا تقسیم بندی کرده‌ایم و سعی کرده‌ایم تمام نمودهایی را که به اعتقاد فرمالیست‌ها در آفرینش شعر مؤثر هستند، در اشعار م. سرشک به تصویر بکشیم. در فصل اول این رساله، تعریف مسأله، روش تحقیق، پیشینه‌ی تحقیق، پیشنهاد برای تحقیقات آتی، چشم‌اندازی بر زندگانی م. سرشک و سال‌شمار زندگی او بیان شده است. در فصل دوم این رساله نیز، کلیاتی مانند، نظریه‌ی ادبی، درون‌مایه‌ی تاریخی فرمالیسم روسی، فرم و محتوا، استقلال اثر ادبی، ادبیت، زبان شعری، آشنایی‌زدایی و نقش

صناعات در آفرینش آن، هنجار‌گریزی، قاعده‌افزایی، عنصر غالب، مخالفان و موافقان فرمالیست، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم این رساله که بخش عمده‌ای از رساله را به خود اختصاص می‌دهد، ما به بررسی انواع فراهنجاری‌ها در اشعار م. سرشک پرداخته‌ایم. از میان این فراهنجاری‌ها، فراهنجاری واژگانی، دستوری و درزمانی، مهمترین فراهنجاری‌هایی بودند که به جرأت می‌توان ادعا کرد نقش مهمی در آفرینش هنری م. سرشک داشته‌اند. فصل چهارم این رساله، به بررسی قاعده‌افزایی در اشعار م. سرشک اختصاص داده شده است. در بخش قاعده‌افزایی، پرونده‌ی اشعار م. سرشک مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نشان داده شده که چه عواملی باعث ایجاد توازن - دومین مقوله‌ی مهم در آفرینش شعر- در اشعار او شده است. در این بخش موسیقی بیرونی، موسیقی درونی و موسیقی کنساری اشعار م. سرشک را مورد بررسی قرار داده‌ایم و نشان داده‌ایم که هماوایی موسیقی بیرونی، درونی و کنساری، در کنار انواع فراهنجاری‌ها، چطور در آفرینش اشعار او مؤثر بوده‌اند. بررسی قاعده‌افزایی در اشعار او، ما را متقاعد می‌کند که بپذیریم اشعار او از لحاظ موسیقایی نیز بسیار غنی هستند. تنوع اوزان، غنای شعر از لحاظ بدیع لفظی و هماوایی قافیه‌ها و ردیف‌ها، به اشعار او لطفی دیگر بخشیده و مقبول صاحبان ذوق ساخته است. علاقه‌ی وافر نگارنده به مباحث نقد ادبی و ادبیات معاصر، او را بر آن داشت تا رساله‌ی کارشناسی ارشد خود را از مباحث نقد ادبی انتخاب کند. کمبود منابع از سوئی و کم‌مایگی و بی‌بضاعتی نگارنده از سوئی دیگر، بر سختی کار می‌افزود. اما در این میان، راهنمایی‌های استاد راهنمای بزرگوار این پایان نامه - دکتر مدرسی- و دلگرمی‌ام به اساتید فاضل و ادیب دوره‌ی کارشناسی‌ام، - اساتید دانشگاه تربیت معلم آذربایجان- گره‌گشا و مشوق راهم بودند. اگر این رساله بتواند بیسانگر این باشد که نگارنده، از خریداران بی‌بضاعت ادبیات و نقد ادبی است، حقیر به هدف خود رسیده است.

تعریف مسأله:

در این پژوهش، اشعار دکتر شفیعی کدکنی (م. سرشک) از دید فرمالیستی مورد بررسی قرار گرفته است. فرمالیست‌ها گروهی از پژوهشگران روسی بوده‌اند که در آغاز سده‌ی بیستم، با تأسیس دو محفل زبان‌شناسی به نام‌های حلقه‌ی زبان‌شناسی مسکو و اوپویاز، تحولات بنیادینی در عرصه‌ی ادبیات به وجود آوردند. آنها بر خلاف سنت‌های قبلی، در بررسی اثر ادبی دیدگاه‌های تاریخی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و ... را کنار می‌گذاشتند و اثر ادبی را از

جنبه‌ی ادبی بودن آن مورد بررسی قرار می‌داند. این پژوهش نیز بدون هیچ توجهی به مسائل اجتماعی، تاریخی و ... در اشعار دکتر شفیعی کدکنی (م. سرشک) به بررسی اشعار او پرداخته و عواملی را که باعث آفرینش اشعار او شده‌اند، مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش توانایی تکنیکی و مهارت حرفه‌ای و شگردهایی که م. سرشک به کار برده و باعث شده زبان شعری‌اش متمایز از دیگران باشد، مورد کند و کاو قرار گرفته است. به طور کلی، کارکرد ادبی زبان دکتر شفیعی و شیوه‌ی بهره برداری او از امکانات زبانی در همه‌ی سطوح ساختاری، در این پژوهش بررسی شده است.

روش تحقیق:

در این پژوهش، از شیوه‌ی کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است، به طوری که ابتدا کلیاتی در مورد فرمالیست‌ها، افکار و عقاید آنها، مورد مطالعه و فیش برداری قرار گرفته و در سایر فصلها، این کلیات در اشعار م. سرشک مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن شرح داده شده است.

پیشینه‌ی تحقیق:

دکتر شفیعی از زمره‌ی شاعران نیمایی است که با آرا و عقاید فرمالیست‌ها موافق است. اشعار او از دید فرمالیستی مورد بررسی قرار نگرفته است. در کل، منابعی که در مورد نقد فرمالیستی باشد، بسیار اندک است و تا جایی که ما اطلاع داریم، در مورد شیوه‌ی نقد فرمالیستی، کتاب مستقلی نوشته نشده است. البته مقالات پراکنده‌ای در برخی مجله‌ها و نشریات در مورد فرمالیسم و نقد فرمالیستی به چاپ رسیده است. در مورد اشعار دکتر شفیعی نیز، مقاله‌ی ارزشمندی با نام «تبلور مضمون شعر در شکل آن» از دکتر حسین پاینده به چاپ رسیده که در آن شعر کوتاه «دریا»ی م. سرشک از دید فرمالیستی، نقد شده است. در برخی از کتابها نیز، به طور پراکنده، آرای فرمالیست‌ها مورد بررسی قرار گرفته است که ما از آنها زیاد، بهره گرفته‌ایم. اسامی برخی از آنها به شرح ذیل می‌باشد:

۱- در آمدی بر فرمالیسم در ادبیات، نوشته‌ی دکتر قدرت قاسمی‌پور که مطالب ارزشمندی در مورد مکتب

فرمالیسم دارد.

۲- سیب باغ جان، از دکتر مریم خلیلی جهانتیغ، که در آن، به بررسی توازن و فراهنجاری در غزلیات مولانا

پرداخته است.

۳- ساختار و تأویل متن از بابک احمدی که مطالب ارزشمندی در مورد مکتب فرمالیسم دارد.

۴- موسیقی شعر از دکتر شفیعی کدکنی، که ما در مبحث قاعده‌افزایی از آن زیاد بهره جسته‌ایم.

پیشنهاد برای تحقیقات آتی:

اشعار دکتر شفیعی قابلیت‌های فراوانی دارد که می‌تواند از جنبه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گیرد، هم از جنبه‌های زبانی و بیانی و هم از جنبه‌های محتوایی. به اعتقاد ما این رساله که حاصل یک سال تلاش است، آن‌چنان که باید و شاید از عهده‌ی نقد فرمالیستی اشعار دکتر شفیعی برنیامده و تنها آشنایی مقدماتی با فرمالیسم با رویکرد به اشعار دکتر شفیعی است؛ و اگر در آینده، پژوهشگر، یا پژوهشگرانی چندین رساله و کتاب با نام نقد فرمالیستی در اشعار دکتر شفیعی یا شاعران دیگر، کار کنند باز حق مطلب ادا نمی‌شود و مخاطب درمی‌یابد که در هر بار بررسی زوایای پنهان جدیدی را کشف می‌کند.

چشم‌اندازی بر زندگی م. سرشک

محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک) در مهرماه ۱۳۱۸ خورشیدی در دهکده‌ای به نام کدکن، زادگاه عطار نیشابوری، دیده به جهان گشود. پدرش مردی فاضل و از اقران ملک الشعرای بهار، فروزانفر و علی اکبر فیاض بود. مادرش نیز زنی آگاه و دانش دوست بود که سواد فارسی و عربی داشت و مثنوی و حافظ می‌خواند، ولی از نعمت نوشتن محروم بود. محمدرضا، تنها فرزند خانواده بود که به درخواست پدر و مادر، از رفتن به مدرسه‌های جدید منع شد تا در همان کدکن به یادگیری قرآن و نصاب و ... بپردازد تا روزی به سرحد اجتهاد برسد و عالم دینی طراز اول شود. خود دکتر شفیعی در این مورد می‌گوید: «در کودکی هنگامی که می‌دیدم هم سن و سال‌های من، کیف به دست می‌گیرند و به مدرسه می‌روند، دلگیر می‌شدم و ابراز ناراحتی می‌کردم تا سرانجام برای رفع بهانه‌گیری، کیف هم برای من خریدند، ولی هرگز به مدرسه نرفتم»^۱. شفیعی پس از فراگیری دانش‌های گوناگون طلبگی، در سال ۱۳۴۱ خورشیدی دیپلم متوسطه را به گونه‌ی متفرقه به دست آورد و در کنکور دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، شاگرداول شد. اما تا رسیدن به درجه اجتهاد درس طلبگی را رها نکرد، تا اینکه عشق او به شعر و ادبیات، او را از جامه‌ی طلبگی رها

^۱ گفت و گو با م. سرشک (گاهنامه‌ی شعر، ش ۱، مهر ۱۳۷۴، ص ۲۰)، به نقل از، در روشنی باران‌ها، کامیار عابدی، تهران، کتاب نادر، ۱۳۸۰، ص ۱۴

ساخت. شفیع پس از به پایان بردن دوره‌ی لیسانس دانشکده ادبیات مشهد، به تهران آمد و دوره‌ی فوق لیسانس و دکتری را در دانشگاه تهران گذراند و پس از اتمام دوره دکتری به درخواست استاد فروزانفر و ناتل خانلری به تدریس ادبیات در این دانشگاه پرداخت و تا امروز یکی از پرمایه‌ترین اساتیدی است که دانشگاه تهران به خود دیده است. او در سال ۱۳۴۹ با فرشته‌ی شعاعی، پیوند زناشویی بست و حاصل آن سه فرزند به نامهای جلال، زهرا و علی شد. شفیع در سال ۱۳۵۲ به انگلستان و آمریکا مسافرت کرد و در سال ۱۳۵۶ به ایران بازگشت. او در این مدت در دانشگاه‌های آکسفورد نیویورک و پنسیلوانیا و پرینستون، به تدریس پرداخت و با بزرگان شعر و ادب جهان آشنا شد. گذشته از آن سفرهایی نیز به فرانسه، اتریش، انگلستان و ژاپن داشته است. شفیع اینک، از شاعران موفق نسل دوم شعر نیمایی، یکی از منتقدان و پژوهشگران بزرگ شعر و ادب فارسی و از محققان بزرگ عرفان قدیم ایرانی است. اشراف کم‌نظیر او بر ادبیات سنتی و ادب عربی و نیز نبوغ شاعرانه‌اش همراه با تواضع و افتادگی‌اش، از وی چهره‌ای بسی‌نظیر و دوست داشتنی ساخته است.^۱

سالنامه دکتر شفیع کدکنی (م. سرشک):

۱۳۱۸: تولد در کدکن نیشابور

۱۳۳۰-۱۳۲۰: تحصیل در مدرسه خیرات خان و نواب مشهد

۱۳۳۰: حادثه‌ی اندوهناک از دست دادن مادر- آن بزرگ آموزگار زندگی و شعر-

۱۳۴۱: دریافت دیپلم متوسطه به گونه‌ی متفرقه و ورود به دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد

۱۳۴۲: انتشار کتاب «حزین لاهیجی، زندگی و زیباترین غزلهای او»

۱۳۴۴: مهاجرت از خراسان به تهران

۱۳۴۴: انتشار دو مجموعه‌ی شعر زمزمه‌ها و شبخوانی

۱۳۴۵: ترجمه‌ی کتاب «رسوم دارالخلافة» اثر هلال بن محسن صابی

^۱ منابع برگرفته شده عبارتند از:

از زبان صبح، مهدی برهانی، انتشارات پاژنگ، چاپ اول، ۱۳۷۸،
در روشنی باران‌ها، کامیار عابدی، تهران، کتاب نادر، ۱۳۸۱،

۱۳۴۸: ترجمه‌ی کتاب «آوازه‌های سندباد»، شعرهای عبدالوهاب البیاتی، شاعر پیشرو عرب

۱۳۴۸: ترجمه‌ی کتاب «ابومسلم خراسانی» از محمد عبدالغنی حسن

۱۳۴۵-۴۸: فعالیت در کتابخانه‌ی مجلس سنا به عنوان متصدی نسخه‌های خطی

۱۳۴۹: پیوند زناشویی با فرشته شعاعی، دانش آموخته‌ی رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران

۱۳۵۰: تولد فرزند اول: جلال (تحصیلات در رشته‌ی مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف و ادامه‌ی آن در

اتریش و انگلستان)

۱۳۵۰: انتشار سه دفتر شعر «مثل درخت در شب باران»، «آزبودن و سرودن»، «بوی جوی مولیان» در نیمه‌ی

نخست این دهه

۱۳۵۰: انتشار کتاب «صور خیال در شعر فارسی»، تحقیق در تطور ایماژهای شعر فارسی و سیر نظریه بلاغت

در اسلام و ایران

۱۳۵۱: شروع به تالیف رساله‌ی «ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما» به درخواست موسسه بریل هلند

۱۳۵۱: ترجمه‌ی کتاب «آفرینش و تاریخ» از مطهرین طاهر مقدسی از دانشمندان قرن چهارم هجری

۱۳۵۲: مسافرت به انگلستان و تدریس شاهنامه در دانشگاه آکسفورد، سفر به ایالات متحده و تدریس خاقانی

در دانشگاه پرینستون

۱۳۵۲: انتشار کتاب «گزیده‌ی غزلیات شمس»، با مقدمه و تفسیر و توضیح

۱۳۵۳: تصحیح کتاب مرموزات اسدی در مزمورات داودی، متنی عرفانی از نجم الدین رازی عارف قرن هفتم

۱۳۵۴: تولد فرزند دوم: زهرا (تحصیلات در رشته‌ی معماری در کشور آلمان)

۱۳۵۶: بازگشت به ایران

۱۳۵۸: انتشار کتاب «موسیقی شعر»، تبیین مبانی جمال‌شناسی موسیقی شعر فارسی و ساخت و صورتهای آن

۱۳۵۸: تصحیح کتاب «مختارنامه»، دیوان رباعیات فریدالدین عطار نیشابوری

۱۳۵۸: ترجمه‌ی کتاب «تصوف اسلامی و رابطه‌ی انسان و خدا» از ریثول الن نیکلسون با مقدمه و تعلیقاتی

مفصل در باره‌ی مسایل تصوف ایرانی

۱۳۵۹: تولد فرزند سوم: علی (مطالعه و فعالیت آزاد در زمینه‌ی موسیقی)

۱۳۵۹: انتشار کتاب «ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت»، بررسی تحولات شعر در ایران از

آستانه‌ی مشروطیت تا انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷

۱۳۵۹: انتشار کتاب «شعر معاصر عرب»

۱۳۶۶: تصحیح و شرح «اسرار التوحید» محمدبن منور میهنی

۱۳۶۶: تصحیح کتاب «حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر»، ابوروح میهنی

۱۳۶۶: انتشار کتاب «شاعر آینه‌ها» در باره‌ی سبک هندی و شعر بیدل

۱۳۶۶: دیدار با محمد حسین شهریار، شاعر پرآوازه‌ی آذربایجانی

۱۳۷۲: انتشار کتاب «مفلس کیمیا فروش» نقد و تحلیل سروده‌های انوری ابیوردی

۱۳۷۲: انتشار کتاب «آنسوی حرف و صوت» از مقامات ابوسعید ابولخیر با مقدمه‌ای در باب او

۱۳۷۲: انتشار کتاب «تازیانه‌های سلوک»، نقد و تحلیل چند قصیده از حکیم سنایی غزنوی

۱۳۷۳: انتشار کتاب در اقلیم روشنایی، تفسیر چند غزل از حکیم سنایی غزنوی

۱۳۷۴: تصحیح کتاب «تاریخ نیشابور»

۱۳۷۶: انتشار مجموعه‌ی دوم شعر خویش «هزاره دوم آهوی کوهی»

۱۳۷۹: سفر به ژاپن

۱۳۸۰: سفر به ایلات متحده و تدریس در دانشگاه

۱۳۸۳: تصحیح «منطق الطیر» عطار نیشابوری

۱۳۸۴: انتشار کتاب «دفتر روشنایی» از میراث عرفانی بایزید بسطامی

۱۳۸۵: انتشار کتاب «شاعری در هجوم منتقدان» در مورد نقد ادبی در سبک هندی، پیرامون شعر حزین لاهیجی

۱۳۸۶: تصحیح «مصیبت نامه» عطار نیشابوری

۱۳۸۶: انتشار کتاب «قلندریه در تاریخ»

۱۳۸۶: انتشار کتاب «زمینه‌ی اجتماعی شعر فارسی»

فصل دوم

نظریه‌ی ادبی و جایگاه فرمالیسم روسی

نظریه‌ی ادبی:

قبل از اینکه در روسیه مکتبی به نام فرمالیسم صورت بگیرد - سالهای قبل از ۱۹۱۴ - پیرامون ادبیات و ویژگی‌های یک متن ادبی بحث‌های فراوانی وجود داشته است. از ارسطو گرفته تا هگل هر کدام نظریاتی پیرامون ادبیات و مسایل مربوط به آن ارائه کرده‌اند. قبل از پیدایش مکتب فرمالیسم، ادبیات به عنوان پدیده‌ای تلقی می‌شد که هرکسی نمی‌تواند به عالم اسرار آمیز آن پی ببرد؛ به این معنی که کشف زیبایی‌های ادبیات و احساس لذت از آن برای همه امکان پذیر نبود و فقط عده‌ای مخصوص قابلیت درک آن را داشتند. با پدید آمدن مکتب فرمالیسم این انحصارگرایی شکسته شد و کم‌کم رویکردهای فراوانی به ادبیات صورت گرفت که همه‌ی این‌ها، تحت عنوان «نظریه-ی ادبی» یا «پوئیتیکا»^۱ مطرح شد. برخی از این رویکردها که بعضاً از حوزه‌ی غیر ادبیات هم سرچشمه گرفته بودند عبارت هستند از پدیدارشناسی، معناشناسی، مارکسیستی، روان‌شناسی، ساختارگرایی، پساساختارگرایی، پسامدرنیست و پسا استعماری، فمینیستی و بعد از سال ۱۹۶۰ میلادی نظریه‌ی ادبی به سرعت رشد و گسترش یافت. شاید یکی از دلایل این رشد، درهم شکستن تدریجی این فرض بود که آثار ادبی را فقط کسانی درک می‌کنند که دارای نوع خاصی ژن فرهنگی باشند. کسانی که در واقع به فرض خودشان «ارزش‌های ادبی» در جانشان لانه کرده است و دیگرانی که در فضای تاریک بیرون حسرت می‌خورند. در واقع نظریه راهی برای آزاد کردن آثار ادبی از چنگ نوعی «ظرافت طبع متمدنانه» بود و این آثار را در مقابل نوع جدیدی از تحلیل قرار می‌داد که دست کم در اصول آن همه می‌توانستند شرکت کنند. نظریه‌ی ادبی چنانچه به درستی درک شود، با انگیزه دمکراتیک شکل گرفته است نه نخبه‌گرایانه و در این چارچوب وقتی به ورطه‌ی گل آلود مقوله‌ای غیر قابل خواندن فرو می‌غلطد به ریشه‌های تاریخی خود پشت می‌کند.^۲ به کمک نظریه می‌توان چهارچوبی منظم به دست آورد و به بررسی و کنکاش علمی پدیده‌ها همت گماشت. درست است که بدون نظریه هم می‌توان به بررسی ادبیات پرداخت، اما نظریه دید علمی به ادبیات می‌دهد و همگان را در ارائه کردن

^۱ Poetics

^۲ پیش‌درآمدی بر نظریه‌ی ادبی، تری ایگلتن، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰، ص ۸-۹